

زنانی که برای شوهرانشان پولساز بودند!؟

۲۹ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۱۵

آنچه بر اساس متون تاریخی می توان به آن دست یافت، گویای جایگاه و مقام زن در نزد جامعه مغولان است

چنگیز در یاسای خود، در جایی که در مورد بدی وضع زمانه و جامعه گفت و گو می کند، در ردیف کارهای ناشایستی که بر می شمارد، یکی هم عدم اعتماد زن به شوهر نسبت به یکدیگر و بی احترامی های اعضای خانواده به یکدیگر است: «شوهر به خاتون اعتماد نکرده و خاتون به فرمان شوهر ننشسته و قاینان (مادر شوهر) عروس را نپسندیده و عروس قاین را حرمت نداشته».

دکتر شیرین بیانی در این باره می نویسد: از وظایف زن در قبال شوهر، ترتیب و تنظیم خانه و مراقبت و پذیرایی از میهمانان، نگاهداری از اموال خانواده، ساختن ظروف، بافتن پارچه، دوختن لباس، دوشیدن شیر، درست کردن غذا و نگاهداری گله و از این قبیل امور بوده، به انضمام کارهایی که متعلق به مردان بوده است.

دستورات چنگیز درباره وظایف زن در قبال شوهر خود چنین است: «زن باید که چون شوهر به شکار و لشکر برنشسته او خانه را آراسته و مرتب دارد، چنانکه چون ایلچی یا میهمانان به خانه فرود آید، همه چیز به ترتیب بیند و آتش نیکو ساخته، مایحتاج خان پرداخته باشد، لاجرم نیکنامی شوهر پیدا گردانیده باشد و نام او بلند کرده و در محافل چون کوه سرافراز گشته. نیکی مردان از نیکي زنان معلوم شود؛ و اگر زن بد و بی سامان باشد، و بی رای و تدبیر، بدی مرد از او معلوم شود.»

چنگیز معتقد است که «نیکي مردان از نیکي زنان معلوم شود، مساله ای که تا امروز اعتقاد کلی بر آن است. رشید الدین پس از نقل این قسمت از یاسا مصرع زیر را بدان می افزاید: «در خانه به کدخدای ماند همه چیز».

پس می توان نتیجه گرفت که در خانواده و در سنت قبیله ای، نقش اساسی متعلق به زن بوده است، هر چند که قدرت شوهر نمودارتر و ریاست خانواده بر عهده او بوده باشد.

مغلول ها همان قدر که به جسم، یعنی به زیبایی و طراوت و سلامت زن اهمیت می دادند، برای روح، طرز تفکر و ادراک او نیز اهمیت قائل بودند. زیرا زن که شریک زندگی مرد بود، می بایستی فهمیده و عاقل باشد. یکی از روسای مغول می گفت: «از صد زن که من دارم، یکی نیست که در دل گنجد. آنکه فهم دارد دست و پایش را نمی دانم و آنکه دست و پایش خوب است، فهمش

برای اینکه بدانیم یک زن خوب در نظر مرد مغولی چگونه زنی است، مثال زیر را از خلال روایات متون خود نقل می کنیم: زنی از ایل کرائیت که همسر یکی از فرماندهان بزرگ این ایل بود و با خانواده خان نیز نزدیکی و دوستی داشت، هنگامی که کرائیت ها توسط چنگیز متهم شدند، آن فرمانده گریخت و همسرش نیز به دست خان مغول اسیر شد، که او را به یکی از فرماندهان خود بخشید. این زن در نزد شوهر اول خود قرب و منزلی بسیار داشت و از سیار زنان وی برتر بود. زمانی که در اختیار فرمانده چنگیز قرار گرفت، با وجود اینکه همسران بسیار داشت، مع هذا مهر این زن عجیب بر دل گرفت و تمام اوقات را با او می گذرانید. پس از مدتی فرمانده فراری کرائیت به خدمت چنگیز رسید و به بندگی او درآمد و آنگاه زن خود را از خان مغول خواست. وی دستور داد تا زن را از شوهر جدیدش با کمال بی میلی جدا کردند و به نزد شوهر قدیم باز گردانیدند. در این هنگام چنگیز از او پرسید: چگونه است که هر مردی که ترا می گیرد، همه را رها می سازد و به تو می پردازد؟ زن جواب داد: از لحاظ جسمی همه زنان شبیه یکدیگرند، ولی زن «باید که تفحص نماید، هر چه شوهر را رضا در آن باشد، چنان کند و بر خلاف رضای شوهر نرود و با میل خاطر او یکی باشد و خانه او را بر وقف مراد دل او نگاه دارد چون چنین باشد، لاشک دوستی از زیادت گردد».

حسادت در نزد زنان و شوهران مغول به طریقی حاد و انتقامی جلوه می کند که بی مناسبت نیست اگر روایتی در این باره ذکر کنیم: زمانی که چنگیز دو خواهر تاتار، یاسوئی و یاسوگان را به دست آورد، مطلع شد که یاسوئی نامزدی داشته که به هنگام جنگ گریخته و خود را پنهان داشته است. چنگیز این موضوع را از خاطر نبرده بود تا روزی که در طی جشنی خان مغول با این دو همسر خود و جمعی دیگر شراب می نوشید. «ناگاه دریافت که یاسوئی آهی بلند کشید و در سکوت فرو رفت. چنگیز پس از قدری تفکر دستور داد تا تمام افراد را ایل به ایل منظم کنند و اگر کسی بیگانه ماند، کنارش گذارند. این کار انجام گرفت، و «فقط مرد جوان و زیبا و شجاعی جدا از ایلات مختلف ایستاده بود. چون از او پرسیدند که کیست؟ گفت من نامزد یاسوئی هستم که قرار بود یا یکدیگر ازدواج کنیم، ولی جنگ شد و من گریختم. چنگیز دستور داد تا فوراً سر از تنش جدا کردند».

احترام به عفت عمومی و پاکدامنی در میان مغول کاملاً مشهود است. زمان عموماً نجیب و عقیف بودند و در سازگاری با شوهر صبور و بردبار. به طوری کلی هیچ گاه از شوهران خود شکایت نمی کردند، مگر در موارد حسادت که بی دریغ در صدد انتقام بر می آمدند.

مارکوپولو که مدتی بین قبایل زیسته است و از نزدیک با زندگی آنان آشنایی پیدا کرده، در این باره چنین اظهار نظر می کند: «زن های تاتار از لحاظ عفت و عصمت و وفا و وظیفه شناسی در برابر شوهران تالی ندارند. بی وقایبی در نظرشان عیب بزرگ اخلاقی محسوب می شود. در مقابل، شوهران نیز نسبت به زنان خود صدیق و مهربانند. به این جهت همیشه در خانواده ها صلح و صفا حکمفرماست. از دهان زن ها هیچگاه حرف زشت شنیده نمی شود. پاکدامنی و حجب و حیایشان شایان توجه و قابل تحسین است و خرجشان برای مردها زیاد نیست. بر عکس وجود آنها از لحاظ کارهایی که در خانه می کنند برای مردها پر درآمد است. روی همین اصل، وقتی مردی زن جدیدی می گیرد، به پدر زن خود هدیه ای که همپایه جهیزیه است می دهد».

در این بین بی احترامی به عفت عمومی و هتک ناموس جزء گناهان بزرگ محسوب می شده و مجازات های سنگین داشته است. در یاسا مواردی در این باره وجود دارد: هتک ناموس و زنا هر یک کیفر اعدام داشته است. به سقط جنین در اثر بدرفتاری و کتک جرمه تعلق می گرفته، و به تعداد ماه های جنین شوهر مجبور بود چهارپایانی در اختیار زن بگذارد.

منابع:

۱- رشیدالدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ، تهران: اقبال، ۱۳۳۸.

۲- مارکوپولو، سفرنامه، ترجمه حبیب الله صحیحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.

۳- القاشانی، تاریخ الجایتو، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.

۴- تسف، نظام اجتماعی مغولان، ترجمه شیرین بیانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.

*شیرین بیانی، زن در ایران عصر مغول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

منبع: قدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/31032/شوهرا نشان-زنانه/31032>